

<div>پیامبر اکرم ﷺ</div>
<div><div> </div><div></div></div>
<p>إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَيُبَغِّضُ الْمُؤْمِنَ الضَّعِيفَ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ؛ فَقِيلَ: وَمَا الْمُؤْمِنُ الضَّعِيفُ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ؟ قَالَ: الَّذِي لَا يَهْنِي عَنِ الْمُنْكَرِ.</p> <p>همانا خداوند دشمن دارد، آن مؤ منی را که ضعیف و بی دین است، سؤ ال شد: مؤ من ضعیف و بی دین کیست؟ فرمود: کسی که نهی از منکر و جلوگیری از کارهای زشت نمی‌کند.</p>



بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت فضلاء بزرگوار و اساتید محترم و مسئولین بزرگوار مجموعه مبارک مؤسسه آموزش عالی ائمه اطهار علیهم‌السلام عرض سلام دارم و از اینکه موفق شدم، در شروع سال تحصیلی چند دقیقه‌ای خدمت شما باشم، خدای تبارک و تعالی را سپاسگزارم. عرایضم را با اشاره‌ای به آیه شریفه ۳۰ از سوره مبارکه روم آغاز می‌کنم: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ».

این آیه متضمن مباحث اساسی دین است. خدای تبارک و تعالی یک تکلیف بزرگ متوجه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌کند و آن این است که «أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ»؛ یعنی تمام توجهت به دین باشد، یک وقت می‌گوییم انظر إلی الدین یا واعطف وجهک إلی الدین، وجه خودت را به سمت دین هم قرار بده؛ اما اینجا خداوند می‌فرماید: «أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ»، حکم به اقامه وجه است؛ آن‌هم به‌نحو کامل و احسن؛ چون اقامه هر شیء به تحقق شیء با همه جزئیات، خصوصیات و ابعاد آن است. اقامه وجه به سمت دین یعنی توجهت را به همه جوانب دین معطوف بدار. در سوره شوری بحث اقامه دین و در این آیه، اقامه وجه به‌سوی دین مطرح است.

معنای روان آیه همین است که همه توجهت را به دین قرار بده و متمرکز بر آن باش. چرا؟ تعبیراتی که دنبال آیه هست، به‌منزله تعلیل یا تمیز است؛ چون این دین حنیف است و باید تمام توجهتان به آن باشد. این تکلیف، هم متوجه پیامبر صلی الله علیه و آله است وهم، همه ما؛ نه اینکه فقط از وظایف اختصاصی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد؛ این دین حنیف است، حنیف یعنی تمام میل و گرایش آن به حق است، در این دین جز حق نمی‌بینید؛ همه‌اش حق است و باطل در آن راه ندارد، ظلمت در این دین نیست، همه‌اش نور است، میل به نور دارد؛ یعنی اعتقاداتش، احکامش، اخلاقش، سیاستش همه حق است و نور. از عنوان حنیف، جامعیت دین را هم می‌شود، استفاده کرد؛ یعنی نمی‌توان موردی را یافت که دین در موردش سکوت کرده باشد! اگر جایی دین موضع نداشته باشد، نه می‌شود حق و نه می‌شود باطل؛ درحالی‌که وقتی می‌گوییم دین حق است؛ یعنی خودش در هر موردی راهکار و حرف دارد.

امروز مشکل اصلی بشر عدم توجه به دین است. امروز همه اهداف پلید کسانی که دنبال چپاول عالم و آدم هستند، این است که دین‌زدایی کرده و دین را از بین ببرند. انقلاب اسلامی با این عظمت، همه حرفش این است که می‌خواهد دین را اجرا کند. ما می‌خواهیم در پرتو این نظام، دین در میدان باشد. می‌خواهیم آگاهی‌های مردم نسبت به دین زیاد شود. می‌خواهیم مردم در پرتو دین کمال پیدا کنند. عقل انسان بدون دین به کمال و تکامل نمی‌رسد؛ البته دینی که حنیف باشد، دینی که به‌تعبیر قرآن تماماً حق باشد، بگوید چطور زندگی کن، در خوردن، آشامیدن، پوشیدن، راه رفتن، خوابیدن، نگاه کردن، نحوه معاشرت در اجتماع، خانواده، در حکومت، همه جا دین حرف دارد و حرفش هم حق است، دقیق‌ترین مطالب را دارد. واقعش این است که عقل می‌گوید: بدون چنین چراغی، انسان نمی‌تواند به تکامل برسد، بدون چنین دستوری که به‌تعبیر روایات عنوان صراط را دارد و راه را نشان می‌دهد، بشر نمی‌تواند راه صحیح را در زندگی پیدا کند. این مطلبی است که هم خود ما باید بیشتر به آن توجه کنیم و هم جامعه نیاز ضروری به آن دارد. اولویت اول و حاکم بر همه امور انسان باید دین باشد.

در همین آیه خدا می‌فرماید: «أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا» و بعد می‌فرماید: این دین حنیف که همان دین اسلام است، مطابق فطرت شماست که «کل مولود یولد علی الفطرة»؛ یعنی راه شکوفایی و تبلور و فعلیت این فطرتی که من به شما

در سالگرد آغاز جنگ تحمیلی عراق در سال ۱۳۵۹ شمسی قرار داریم که هر سال ملت قهرمان ایران، این هفته را که به‌نام «هفته دفاع مقدس» نام‌گذاری کرده‌اند، در گرامیداشت آن می‌کوشند؛ اما شاید در طول این سال‌ها بارها با این سؤال روبه‌رو شده باشید که در پاسخ به این سؤال، توجه شما را به چند نکته مهم جلب می‌نمائیم:

اولاً ما آغازکننده جنگ و عامل خشونت و خون‌ریزی نبوده‌ایم که امروز شرمنده عملکرد خود باشیم؛ بلکه ۸ سال قهرمانانه از دین و آیین و میهن و فرهنگ و شرف و ناموس خود دفاع کرده‌ایم؛ لذا این دفاع مقدس همواره باعث افتخار و مباهات ماست.

ثانیاً، در تاریخ حکومت پادشاهی ایران، مخصوصاً در ۲۱۰ سال گذشته، پادشاهان ایرانی ضمن شکست‌های سنگین، بخش عظیمی از کشور عزیزمان را به تاراج داده‌اند؛ اما رزمندگان اسلام در ۸ سال دفاع مقدس، با ابتدایی‌ترین امکانات و در نهایت مظلومیت و با موج تحریم‌های ظالمانه شرق و غرب در برابر تمامی مستکبران جهان، مردانه ایستادند و حتی یک وجب از خاک این سرزمین را از دست ندادند!

- پاسخ تفصیلی گرامی‌داشت «هفته دفاع مقدس»**

البته پاسخ تفصیلی ماجرای گرامی‌داشت «هفته دفاع مقدس» بدین شرح می‌باشد:

✽ حدود ۲۱۰ سال پیش در زمان فتحعلی شاه قاجار، به‌موجب قرارداد ننگین گلستان در سال ۱۱۹۲ شمسی (۱۸۱۳ میلادی)، کشورهای فعلی «قفقاز، ارمنستان، گرجستان، داغستان، چچن و اینگوش و سواحل ارزشمند دریای کاسپین» به‌مساحت حدود ۲۳۰ هزار کیلومتر مربع از ایران جدا شده و به روسیه تزاری تقدیم گردید!

✽ حدود ۱۹۵ سال پیش و باز هم در زمان فتحعلی‌شاه قاجار، به‌موجب قرارداد ننگین ترکمن‌چای درسال ۱۲۰۷ شمسی (۱۸۲۸ میلادی)، منطقه

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَيُبَغِّضُ الْمُؤْمِنَ الضَّعِيفَ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ؛ فَقِيلَ: وَمَا الْمُؤْمِنُ الضَّعِيفُ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ؟ قَالَ: الَّذِي لَا يَهْنِي عَنِ الْمُنْكَرِ.

همانا خداوند دشمن دارد، آن مؤ منی را که ضعیف و بی دین است، سؤ ال شد: مؤ من ضعیف و بی دین کیست؟ فرمود: کسی که نهی از منکر و جلوگیری از کارهای زشت نمی‌کند.

وسایل الشیعه/ ج ۱۶/ ص ۱۲۲

آیت‌الله فاضل لنکرانی در جمع فضلاء مشهد

<div>سخن بزرگان</div>
<div><div> </div><div></div></div>
<p>آیت‌الله سیدرضا بهاء‌الدینی رحمته‌الله</p>
<p>روز قیامت نیکی‌های‌مان را به محبوب‌ترین فرد زندگی‌مان نخواهیم داد؛ اما مجبور می‌شویم، آنها را به کسی بدهیم که از او متنفر بودیم و غیبتش را کردیم. گناه، مخصوصاً حق‌التاس اوج حماقت است نه زرنگی؛ زرنگی بندگی خداست.</p>

روز قیامت نیکی‌های‌مان را به محبوب‌ترین فرد زندگی‌مان نخواهیم داد؛ اما مجبور می‌شویم، آنها را به کسی بدهیم که از او متنفر بودیم و غیبتش را کردیم. گناه، مخصوصاً حق‌التاس اوج حماقت است نه زرنگی؛ زرنگی بندگی خداست.

انقلاب اسلامی همه حرفش این است که می‌خواهد دین را اجرا کند

آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی در مراسم افتتاحیه دروس سال تحصیلی جدید مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام مشهد مقدس، گفت: ما طلبه‌ها باید در سخنانمان مراقب باشیم، اولاً ببینیم حرفی که می‌زنیم، مطابق دین هست یا نه؟ دین را از چشم مردم نیندازیم، عده‌ای به اسم روشن‌فکری دین را این‌قدر تنزل می‌دهند تا در حد یک چیز بی‌خاصیت درآید. همه اینها تماماً تحریف و ضربه زدن به دین است. به گزارش خبرگزاری حوزه از مشهد مقدس، متن کامل سخنان آیت‌الله فاضل لنکرانی را در ادامه بخوانید.

دام، دین است. آدم با فطرت و عقل تنها نمی‌تواند، به نتیجه‌ای برسد؛ البته بعضی چنین ادعایی می‌کنند که خدا به ما فطرت و عقل داده و می‌توانیم، حسن و قبح را تشخیص بدهیم و راه را پیدا کنیم؛ اما غافلند از اینکه فطرت و عقل بشر نیاز به دین دارد. «لا تبدیل لخلق الله»، فطرت انسان قابل تغییر نیست و هر انسانی دنبال کمال است.

بعد از بیان این امور می‌فرماید: «ذلک الدین القیم»؛ دین قَیم این است. قَیم در بعضی از تفسیرها یا ترجمه‌ها به‌معنای استوار و پایدار معنا شده؛ یعنی دین ماندگار؛ درحالی‌که قَیم به‌معنای متولی و سرپرست است؛ یعنی خداوند می‌فرماید: دینی که می‌تواند انسان را سرپرستی کند این دین است؛ دینی حنیف که هر چه می‌گوید، حق است. اگر گفته این حلال است، حق است و اگر گفته آن حرام است، حق است. این واجب و آن مستحب و آن مباح است، همه‌اش حق است. دینی که حنیف و مطابق با فطرت انسان است، باید بر انسان حکومت و سرپرستی کند. این آیه یکی از ادله مساوقت دین با حکومت است؛ این ازجمله دلیل‌هایی است که(قیاسات‌ها معهاست) نیاز به قیاس ندارد. وقتی یک دینی تماماً حق باشد، روشن است که احکامش باید اجرا شود؛ مثل دکتی که تشخیصش صحیح و داروهایی که تجویز کند، شفابخش باشد. همه می‌گویند، باید به این دکتر مراجعه کرد و او را متولی سلامت خود قرار داد؛ دینی هم که تمامش حق است، باید قیم انسان باشد و به او بگوید: چطور عبادت کن، چطور اعتقاد داشته باش، چه چیز حلال و چه چیز حرام است، و نکاح، معامله، طلاق، اجاره و… چطور باشد.

دین را درست بشناسید و درست بیان کنید؛ نه کم و نه زیاد.

تمام دین بر اساس منطق و دلیل است.

این آیه «أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا»

می‌فرماید: دین اسلام که معرفش مکتب اهل بیت علیهم‌السلام است

تمام دستوراتش مطابق با فطرت انسان است؛ حتی حجاب.

خوردن چه چیز حلال و چه چیزی حرام است

مطابق با فطرت انسان است، آنها که با اسلام و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام مقابله می‌کنند، می‌خواهند، بشر را از فطرت خودش دور کنند.

فقه ما مولود این دین حق است؛ این فقهی که ما این‌قدر بر آن اصرار داریم و این نظام مقدس بر اساس آن به وجود آمده، مولود این دین حنیف است. این دین، باید حکومت کند. به‌برکت انقلاب اسلامی در حوزه‌های علمیه (البته نه

در بدنه حوزه‌ها)، این بحث‌های مهم و اساسی دین به میدان آمد. امروز این سؤال که دین حکومت دارد یا نه، یک سؤال بسیار بی‌جاست؛ چون از چیزهایی است که پاسخش خیلی واضح است؛ دین باید حکومت کند، اصلاً ادعای امام خمینی رحمته‌الله بر اساس آیات متعدد قرآن این بود که اساس دین حکومت و ولایت است و همه امور تحت الشعاع ولایت و زیرمجموعه ولایت است. به نظر من اگر یک طلبه یا یک انسان مسلمان به این مطلب توجه نکند، یا آن را قبول نکند، با حقیقت دین خیلی فاصله دارد.

لذا عرض بنده در شروع سال تحصیلی این است که حوزه‌های علمیه برای این تشکیل شده که دین را بفهمند و بفهماند. به دین برسند و برای مردم بیان کنند و ما وظیفه‌ای غیر از این نداریم؛ این بزرگترین خدمت به بشر است،

روز قیامت نیکی‌های‌مان را به محبوب‌ترین فرد زندگی‌مان نخواهیم داد؛ اما مجبور می‌شویم، آنها را به کسی بدهیم که از او متنفر بودیم و غیبتش را کردیم. گناه، مخصوصاً حق‌التاس اوج حماقت است نه زرنگی؛ زرنگی بندگی خداست.

روز قیامت نیکی‌های‌مان را به محبوب‌ترین فرد زندگی‌مان نخواهیم داد؛ اما مجبور می‌شویم، آنها را به کسی بدهیم که از او متنفر بودیم و غیبتش را کردیم. گناه، مخصوصاً حق‌التاس اوج حماقت است نه زرنگی؛ زرنگی بندگی خداست.

چرا هر سال هفته دفاع مقدس را گرامی می‌داریم؟

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد کیانی

مگر نه این است که جنگ در تمام دنیاT مظهر خشونت و خون‌ریزی است؟ پس چرا در ایران بعد از ۴۳ سال، باز هم آن را یادآوری کرده و تازه برای آن هفته گرامی‌داشت می‌گیرند؟!



✽ حدود ۱۶۷ سال پیش، در زمان ناصرالدین شاه قاجار، به موجب معاهده ننگین پاریس در سال ۱۲۳۵ شمسی (۱۸۵۶ میلادی)، مناطق

«هرات و افغانستان و بلوچستان و مکران» به‌مساحت ۲۲۵/۹۷۵ کیلومتر مربع با فشار انگلیس از ایران جدا شد!!!
✽ حدود ۱۵۲ سال پیش و باز هم در زمان ناصرالدین شاه قاجار به‌موجب قرارداد ننگین حکمیت «گلگ اسمیت» در سال ۱۲۵۰ شمسی (۱۸۷۱ میلادی)، باز هم تحت فشار انگلیس، مناطقی از «پاکستان و سیستان»، به‌مساحت ۳۵۰ هزار کیلومترمربع از ایران جدا شد!!!!
✽ حدود ۱۲۲ سال پیش باز هم در زمان ناصرالدین شاه قاجار به‌موجب «پیمان آخال» در سال ۱۲۶۰ شمسی (۱۸۸۱ میلادی)، کشورهای فعلی «ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان» به‌مساحت ۵۰۰/۲۲۶/۱ کیلومترمربع از ایران جدا شده و باز هم به امپراتوری روسیه تقدیم شد!!!!

✽ حدود ۱۰۴ سال پیش در سال ۱۲۹۸ شمسی (۱۹۱۹ میلادی) در زمان احمدشاه قاجار و دولت وثوق‌الدوله، براساس پیمان منطقه‌ای مستشاران انگلیس، جزایر نفت خیز خلیج فارس از جمله کشورهای فعلی «امارات، قطر، عمان و چند جزیره بسیار ارزشمند دیگر» به مساحت ۲۸۷/۴۰۵ کیلومترمربع رسماً از ایران جدا شد!!!!

- سال بیست و دوم
- شماره ۷۶۹
- دوشنبه ۳ مهر ۱۴۰۲
- ۸ صفحه • ۳۰۰۰ تومان

Ofogh-e Hawzah Weekly
<ul style="list-style-type: none">صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه سرپرست مرکز رسانه و فضای مجازی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه: رضا رستمی سردبیر: رمضانعلی عزیزی • با همکاری هیأت تحریریه تلفن: ۳۳۹۰۰۵۳۸ • شماره: ۳۳۹۰۱۵۳۳ • صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۴۳۸۱ نشانی: قم، بلوار جمهوری، کوچه ۲، پلاک ۱۵ پایگاه اینترنتی: www.ofoghhawzah.ir پست الکترونیک: info@ofoghhawzah.ir امور هنری: سید امیر سجادی کارشناس فنی چاپ: مصطفی اویسی • چاپ: صمیم ۴۴۵۳۳۷۲۵

<div> </div>
<div><div> </div><div></div></div>
<p>عطر یار</p>
<p>بزم وصال</p>
<p>سیدحسین هاشمی نژاد</p>

درد فراق یوسف زهرا شدید شد
یعقوب روزگار دو چشمش سپید شد
امید انتظار دل ناامیدها
امید هم ز آمدنت ناامید شد
از عشق ناله خیزد و از هجر درد و غم
غم ناله می‌کند که فرات مدید شد
بزم وصال می‌طلبد جان ز عاشقان
خوشبخت آنکه در ره جانان شهید شد
در پیشگاه یوسف زیبای فاطمه
صدها هزار یوسف مصری عبید شد
از کثرت گناه و خطاهای بی‌شمار
راه وصال من به سرایت بعید شد
تا شد غلام حلقه‌به‌گوش تو «هاشمی»
دنیا و آخرت به حقیقت سعید شد

<div> </div>	<div> </div>
<div><div> </div><div></div></div>	<div><div> </div><div></div></div>
<p>یادداشت</p>	<p>همسر آفتاب</p> به‌مناسبت ازدواج پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه رضی الله عنها استادجواد محدثی

ای ثمر باغ دین/ در ره ایمان و یقین، اولین

ای تو گل یاسمین / باگل عرشی شده‌ای همنشین

مهر نبی در دل تو جاگزین

یاد تو، بردر و دیوار زمان، ماندگار

نام تو، از کرم و جود و وفا یادگار

بانوی مهر و وفا / چهرهٔ تو آینه حق نما

همسر و محبوب دلت، مصطفی

ای که تویی مقتدا / هستی تو هدیه به راه خدا

هر طرف، نام تو همراه وفا و شرف

ماهتاب، درپی تو گشته روان، باشتاب

نام درخشان تو / در دل تاریخ، چنان آفتاب

ای شرف مستدام

شاهد ایمان تو، هر صبح و شام

مروه، صفا، کعبه و بیت الحرام

صبحدمی، شب‌نمی / هم‌نفس آسیه و مریم

با قلم سرنوشت / ثبت شده، نام تو اندر بهشت

دختر حتم ثرشل، سر زده از دامن تو مثل گل

از صدف دامنت / گوهر زهرا به جهان آمده است

بهر زنان سروری، مادری / مادر جاویدترین کوثری

فضل و کمالات تو بی‌خاتمه است

همدم تنهایی تو فاطمه است

ای چه‌بسا روز و شب

آمده و رفته؛ ولی هر زمان

قصه ایمان و وفا خواندنی است

رفته‌ای و نام تو باقی هنوز

تا تابد، یاد وفا و ادب ماندنی است!

✽ حدود ۸۶ سال پیش در سال ۱۳۱۶ شمسی (۱۹۳۷ میلادی) در زمان رضاشاه پهلوی با امضای پیمان ننگین سعدآباد با کشورهای همسایه (عراق، ترکیه و افغانستان)، بخش‌های عظیمی از ایران با دسیسه انگلیس جدا شد؛ از جمله «ارتفاعات سوق الجیشی آزارات» به ترکیه؛ بخش عظیمی از «اروندرد» و اداره کامل آن به عراق و «دشت وسیع ناامید» به‌مساحت ۳ هزار کیلومتر به افغانستان بخشیده شد.!!!!!!

✽ حدود ۶۹ سال پیش در سال ۱۳۳۳ شمسی (۱۹۵۴ میلادی) در زمان محمدرضاشاه پهلوی، بندر استراتژیک «فیروزه» در شرق دریای خزر، از ایران جدا و به شوروی واگذار گردید!!!

✽ و باز هم ۵۲ سال پیش در سال ۱۳۵۰ شمسی (۱۹۷۱ میلادی) در زمان محمدرضا شاه پهلوی با فشار انگلیس، مجمع الجزایر بحرین به‌مساحت بیش از ۷۰۰ کیلومتر مربع با انبوهی از مخازن نفت و گاز از ایران جدا شد!!!! البته با کمال تأسف باید این حقیقت تلخ را بدانیم که این مقدار تجزیه و جدایی بیش از ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار کیلومتر مربع از خاک ایران به‌واسطه سستی و خیانت پادشاهان میهن‌فروش در کل تاریخ جهان بی‌سابقه است و ایران امروز با مساحت ۱/۹۵۱/۶۴۸ کیلومتر مربع کمتر از یک‌سوم مساحت ایران بزرگ دویست سال قبل را دارد!!!

لذا ملت سرافراز ایران، «هفته دفاع مقدس» را گرامی داشته و با سربلندی اعلام می‌کنند که در ۸ سال جنگ تحمیلی در برابر هجوم تمام دنیای استکبار ایستاده و با اهدای حدود ۲۰۰ هزار شهید اجازه ندادند، حتی یک وجب از خاک میهن اسلامی‌شان به یغما برده شود و امروز با شعار «ما مقتدریم» که به‌واسطه جان‌فشانی و ایثار جوانان جان‌برکف و رهبری حکیمانه امامین انقلاب و به‌رهگیری از اندیشه متعالی و توان نخبگان بسیجی این مرز و بوم به‌دست آمده، به تمامی ابرقدرت‌های دنیا هشدار می‌دهند که دیگر هیچ‌کس، جرأت نگاه چپ به سرزمین شیران را نخواهد داشت.